

# فرهنگ خلاقیت

شیوه‌های پرورشِ خلاقیت دانش‌آموزان

دکتر ابوالفضل بختیاری

استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

زهره عالمین

مدرس دانشگاه و پژوهشگر آموزشی

عضو باشگاه دانش‌پژوهان جوان



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۵



تهران - میدان انقلاب - خ ۱۲ فروردین - خ شهید وحید نظری  
پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ / دورنگار: ۶۶۴۸۰۸۸۲

---

**فرهنگ خلاقیت: شیوه‌های پرورش خلاقیت دانش‌آموزان**

---

تالیف: دکتر ابوالفضل بختیاری - زهره عالمین

ناشر: انتشارات آوای نور

چاپ: اول ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۲۰۱-۳

---

قیمت ۱۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

---

## فهرست مطالب

- فصل اول: ضرورت شناخت خلاقیت، تعاریف..... ۱
- فصل دوم: خلاقیت در مرحله کودکی..... ۲۱
- فصل سوم: نقش معلمان در پرورش خلاقیت..... ۳۵
- فصل چهارم: تشویق خلاقیت و تخیل کودکان..... ۵۱
- فصل پنجم: کشف و پرورش خلاقیت..... ۶۱
- فصل ششم: تشخیص دانش آموزان خلاق..... ۹۵
- فصل هفتم: راههای توسعه تفکر خلاق (بیست اصل تورنس)..... ۱۱۳
- فصل هشتم: ویژگیهای شخص خلاق..... ۱۲۵
- فصل نهم: موانع خلاقیت..... ۱۳۳
- فصل دهم: آزمون خلاقیت. چقدر خلاق هستید..... ۱۴۳
- فصل یازدهم: پرسشنامه خلاقیت عابدی..... ۱۵۷
- فصل دوازدهم: پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی..... ۱۷۳
- فهرست منابع و کتابنامه..... ۱۷۹

## پیشگفتار

**خلاقیت** مولود هنر خداوند و هنر، مولود خلاقیت انسان است. همانطور که خالقِ بزرگ خلاقیت به ما اعطا کرده است، سپاس ما به او نیز بروز دادن و به کار بردن آن خلاقیت است. آفرینش بزرگترین جلوه خلاقیت خدا و آینه وجود اوست. خلق ابتدای خلقت است، هر چند خدا هر روز در کار آفرینشی تازه است. خلاقیت انسان بارقه‌ای از خلاقیت الهی است؛ از اینروست که انسان خلاق می‌تواند چیزی نو (تازه) و جدید خلق کند. همچنین، خلاقیت توانایی توسعه و پرورش اندیشه‌ها و ایده‌های تازه، کشف راههای جدید و نگاه کردن به مسائل و مشکلات از منظری بدیع است. در واقع نوعی ابداع است که ریشه در تفکر دارد. خلاقیت و نوآوری در آحاد انسانها وجود دارد، لیکن این بارقه الهی در هر کس به اندازه ظرفیتش به او داده شده است.

خلاقیت، به معنای نوین این کلمه، در فرهنگ ما و به‌ویژه در فرهنگ آموزش کشور ما، هنوز در دوره کودکی و شکوفایی خود سیر میکند. اما خوشبختانه، همه افراد، به‌ویژه پدر و مادرها، مربیان، معلمان و کارگزاران آموزشی به آن علاقمندند و پیوسته در پی یافتن روشهای پرورش خلاقیت در کودکان و دانش‌آموزانند. فلسفه خلاقیت میگوید: از رفتن نباید ترسید و از خطا و اشتباه، که گذشته و مانع خلاقیت است، هراس نباید داشت.

مردان کامیاب و خلاق معمولاً از شکست، میوه پیروزی چیده‌اند. از کودکی به ما گفته‌اند: تا زمین نخوری بلند نمیشوی!

نوشتن درباره فرهنگ خلاقیت و روشهای گسترش و پرورش آن کاری سهل و ممتنع است! در این اثر تلاش شده تا به مباحث مربوط به خلاقیت و نوآوری در خانه، مدرسه، خلاقیت در آموزش و شیوه‌های پرورش خلاقیت پرداخته شود. هرچند کوشش بسیاری شده که تدوین (تألیف) و چاپ کتاب با دقت همراه باشد، باز ممکنست نکاتی وجود داشته باشد که بتوان آنها را بهبود بخشید. از اینرو امید است همکاران، استادان و دانشجویان محترم که این کتاب را مورد استفاده قرار میدهند ما را نسبت به این نکات آگاه سازند.

از سرکار خانم زهره عالمین\* (مدرس آموزش خلاقیت) که در تالیف این اثر همکاری شایسته‌ای داشته‌اند، بسیار سپاسگزارم.

همچنین جا دارد از همکاری سرکار خانم الهام منتظری، آقای رسول شهودی (دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه) و شیما طیب‌زاده در تکمیل، تصحیح و تکمیل این اثر تشکر می‌کنم. از ویراستاری علمی سرکار خانم مریم اکبرزاده (عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور کرمان) ممنونم. از آقای دکتر محمود امانی طهرانی و سازمان پژوهش در برنامه‌ریزی آموزشی برای فرصتی که به اینجانب دادند که به مطالعه و پژوهش پردازم، سپاسگزارم.

**ابوالفضل بختیاری<sup>1</sup>**

---

<sup>1</sup> Bakhtiari.Abolfazl@gmail.com

Zohre.alamin57@gmail.com\*



# فصل ۱

## ضرورت شناخت خلاقیت تعاریف خلاقیت

"نپرسید کشورتان چه کاری برای شما میتواند بکند، پرسید شما چه کاری می‌توانید برای کشورتان بکنید."  
جان اف کندی



## سرای مدرسه و بحث علم و طاق و رواق

چه سود، چون دل دانا و چشم بینا نیست

حافظ

### مقدمه

خداوند انسان را خلاق آفریده و خلاقیت را در ذات او به ودیعه گذاشته است، انسان به طور ذاتی خلاق است و از آنجا که دانش آموزان مدت زیادی را در مدرسه سپری می کنند و تجارب زیادی را از مدرسه فرا می گیرند، لذا می توان ادعا کرد که آموزش و پرورش و بویژه مدرسه نقش مهم و اساسی را در تحقق خلاقیت دانش آموزان در آینده به عهده دارند. لذا آموزش و پرورش باید سعی کند به طرق گوناگون زمینه های پرورش و بروز خلاقیت در دانش آموزان را فراهم آورده و بدین ترتیب موجب پرورش مهارت های شهروندی آنها گردد. در دنیای پیچیده کنونی که شاهد رقابت های فشرده جوامع گوناگون برای دستیابی به جدیدترین فن آوری و منابع قدرت هستیم، افراد تیزهوش، خلاق و صاحبان اندیشه به مثابه گران بهاترین سرمایه ها از جایگاه بسیار والا و ارزشمندی برخوردار هستند. ما امروزه بیش از هر زمان دیگر نیاز به افراد هوشمند و خلاق داریم، زیرا جوامع در دوره انتقال و تغییر، نیاز مبرمی به راه حل های خلاق برای حل مسئله آینده و حال و فردا دارند.



## ضرورت شناخت خلاقیت

شاید بتوان گفت مهم‌ترین هدف نظام آموزشی پرورش همه‌جانبه شخصیت دانش‌آموزان و پرورش خلاقیت آنهاست. از بعد معنوی و متعالی، کمال انسان در گرو، نوجویی، نوآوری، نوینی، نوگرایی و خلاقیت اوست و تا انسان به کمک قوه خلاقه خود از قالب‌های ذهنی پوچ نجات نیابد، نمیتواند به جایگاه حقیقی که کمال انسانی است، دست یابد. اما از بعد اقتصادی، ضرورت و اهمیت خلاقیت در دنیای امروز به حدی است که گفته میشود: یا مرگ یا خلاقیت. امروزه سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کوچک و بزرگ و نیز افراد فعال در حوزه‌های اقتصادی، بدون خلاقیت مستمر، سریع و به‌موقع محکوم به شکست و فنا هستند. هم‌اکنون دنیای کسب و کار و شرایط و قواعد بازی رقابت، مثل گذشته نیست که با جمع‌آوری اطلاعات بتوانیم اطلاعات یک پازل<sup>۱</sup> را طبق نقشه و طرح از پیش تعیین شده‌ای کنار هم قرار داده، به نتیجه برسیم؛ بلکه افراد و سازمان‌های پیش‌رو و موفق باید پازلی را کامل کنند که قطعات آن به روش منظم کنار هم قرار نمی‌گیرند؛

### خلاقیت و نوآوری در وجود انسانها وجود دارد.

یعنی هر قطعه فقط در کنار یک قطعه به خصوص قرار نمی‌گیرد بلکه ممکن است با قطعات دیگری نیز جفت و جور شود. هیچ کس نمی‌داند چند قطعه در اختیار دارد و هیچ کس نمی‌داند طرح نهایی پازل به چه شکلی خواهد بود.

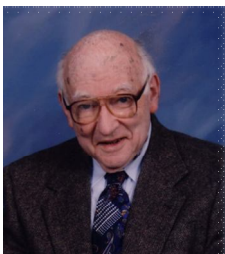
کار کردن، رقابت، پیشرفت و حتی بقا در چنین فضایی در گرو داشتن خلاقیت، توانمندی و کارآفرینی است تا بتوانند هر روز حرفی نو بزنند. اکنون شرایط محیطی کسب و کار به قدری پیچیده، پویا و نامطمئن گردیده است که دیگر نمیشود با روش‌های قبلی مسائل (مشکلات) امروز را حل کرد، از این رو، یک تغییر و تحول اساسی در نظام فکری لازم است که همان تأکید بر مقوله خلاقیت می‌باشد چون تا زمانیکه با روش‌های گذشته تفکر می‌کنیم، غیرممکن است بتوانیم امور کسب و کار خود را بهبود و توسعه بخشیم. به‌طور خلاصه، عواملی که باعث ضرورت خلاقیت به‌خصوص در حوزه کسب و کار هستند عبارت‌اند از:

- کاهش و کم‌یابی منابع طبیعی
- رقابت فشرده و بی‌رحم؛
- تنوع طلبی متقاضیان و محصولات (کالا و خدمات) و کاهش زمان مطلوبیت محصولات؛
- جهانی شدن اقتصاد و صنعت؛
- اقتصاد تنوع در مقابل اقتصاد اندازه؛

## فصل اول: ضرورت شناخت خلاقیت تعاریف خلاقیت ■ ۵

- آموزش و پرورش افراد خلاق.

در چند دهه اخیر، پژوهش‌های بسیار در زمینه خلاقیت انجام شده است. پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش خلاقیت، در مجموع به این نتیجه رسیده است که **خلاقیت را هم می‌توان آموزش و هم پرورش داد.**



تورنس<sup>۱</sup> می‌گوید: طی پانزده سال تجربه در مطالعه و آموزش تفکر خلاق، شواهدی دیده‌ام که نشان می‌دهد خلاقیت را می‌توان آموزش داد. فلدهوسن<sup>۲</sup> و همکارانش می‌گویند: پاسخ به این سؤال که «آیا می‌توان خلاقیت را آموزش داد؟» مثبت است.

**Ellis Paul Torrance**

**تمام انسان‌ها دارای قوه خلاقه هستند، هرچند که برخی در یک زمینه دارای خلاقیت بیشتری می‌باشند و برخی در زمینه‌ای دیگر.** خلاقیت میتواند به وسیله مدرسان، معلمان و پدربادرها در فراگیران شکوفا گشته و یا از بین برود. بنابراین، باید محیط و فضای مساعدی برای رشد و پرورش قوه خلاقیت فراگیران فراهم آورد.

---

1 Torrance  
2 Feldhocen

کارل راجرز<sup>۱</sup> در این زمینه می‌نویسد: "روشن است که خلاقیت را نمی‌توان با فشار ایجاد کرد؛ بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند. همانگونه که کشاورز نمیتواند جوانه را به زور از دانه بیرون بیاورد، اما میتواند شرایط مناسبی برای رشد دانه فراهم آورد." "

در مورد خلاقیت هم همین شرایط صادق است. باید زمینه‌ای مساعد برای رشد و توسعه خلاقیت فرزندان و دانش‌آموزان فراهم کرد. از جمله تجربیات "تورنس" در روانشناسی این است که می‌توان با فراهم کردن امنیت روانی و آزادی، احتمال ظهور خلاقیت سازنده را افزایش داد.

باید توجه داشت که از هر کسی در هر زمینه‌ای نمی‌توان انتظار خلاقیت و ابتکار داشت؛ زیرا ممکن است هر فرد در زمینه‌ای خاص خلاقیت داشته باشد. از اینرو، باید بسترها، سلائق، علائق و زمینه‌ها را شناسایی کرد و زمینه رشد و پرورش آنها را فراهم نمود.

خلاقیت و نوآوری موجب خواهد شد که موارد ذیل تحقق یابد:

- رشد و شکوفایی استعدادها و سوق‌دهنده به سوی خودشکوفایی؛
- موفقیت‌های فردی، شغلی و اجتماعی؛

## فصل اول: ضرورت شناخت خلاقیت تعاریف خلاقیت ■ ۷

- پیدایش سازمان؛
  - تولیدات و خدمات؛
  - افزایش کمیت، تنوع تولیدات و خدمات؛
  - افزایش کیفیت تولیدات و خدمات و موفقیت در رقابت؛
  - کاهش هزینه‌ها، ضایعات و اتلاف منابع؛
  - افزایش انگیزش کاری کارکنان سازمان؛
  - ارتقای سطح بهداشت روانی و رضایت شغلی کارکنان سازمان؛
  - ارتقای بهره‌وری سازمان؛
  - موفقیت مجموعه مدیریت و کارکنان سازمان؛
  - رشد و بالندگی سازمان؛
  - تحریک و تشویق حس رقابت؛
  - کاهش بوروکراسی اداری «کاهش پشت میز نشینی و مشوق عمل گرایی»؛
  - تحریک و مهیا کردن عوامل تولید (نیازی، ۱۳۸۹).
- درواقع میتوان گفت خلاقیت و نوآوری باعث سرعت، ذقت، شوق، تحرک، پویائی، نوجوئی، کارآفرینی، افزایش کارایی، کارآمدی و بهره‌وری میشود.

تمام انسانها دارای قوه خلاقه هستند.

### مشتقات خلاقیت

خلاقیت یکی از مشخصه‌های بارز رفتار انسانی است که به نظر می‌رسد اسرار آمیزترین ویژگی و در عین حال حیاتی‌ترین مشخصه در پیشرفت آدمی می‌باشد. بعضی فکر می‌کنند که خلاقیت یعنی چیزی از هیچ اما اینگونه نیست و در حقیقت خلاقیت نوعی توانایی در تولید ایده‌های نو از طریق ترکیب، تغییر و دوباره به کار گیری آنها و ارائه یک طرح جدید است. گاهی ممکن است در اثر ترکیب و تغییر، ایده‌ای بسیار خلاقانه، برجسته و عالی ظهور کند و گاهی هم ایده‌ای ساده، خوب و عملی. در هر حال هر دو توانسته‌اند تأثیر شگفت‌انگیزی از خود به جای بگذارند.

خلاق بودن به سن و سال ربطی ندارد و با توجه به نیروی درونی خود که عبارت است از مجموعه ارزشها، باورها، احساسها، تربیتها، باورهای متافیزیکی و پرورش آنها می‌توان خلاقیت را در خود تقویت کرد.

مشتقات خلاقیت<sup>۱</sup> عبارت از Creat، Creation، و Creative می‌باشد.

## فصل اول: ضرورت شناخت خلاقیت تعاریف خلاقیت ■ ۹

Creat: به معنی «خلق کردن» یا «بوجود آوردن» است. این فعل در قرن چهاردهم میلادی وارد زبان انگلیسی شد.

Creation: به معنی «عمل خلق کردن» یا «عمل ساختن» است. این مصدر در قرن چهاردهم میلادی وارد زبان انگلیسی شد.

Creative: به معنی «داشتن نیرو و توانایی خلق کردن» است. این صفت در قرن هفدهم میلادی وارد زبان انگلیسی شد (-Merriam Dictionary Webster).

Creative هم به محصولات تازه و ارزشمند و هم به افرادی که این محصولات را تولید می‌کنند اشاره دارد (ویزبرگ<sup>۱</sup>، ۱۳۷۸). در حالی که خلاقیت در بردارنده همه این مشتقات می‌باشد.

### تعاریف خلاقیت

خلاقیت، یکی از واژه‌های پیچیده، مبهم و چندبعدی است؛ واژه‌ها خصوصاً در حوزه علوم انسانی که موضوع آن «انسان» است، پیچیده، مبهم و شاید بتوان گفت به سختی تعریف پذیر می‌باشند. این واژه‌ها برای معانی و مفاهیم تنها نقش نوک کوه یخ را بازی کرده و نمیتوانند تمامی معانی و مفاهیم را به تصویر بکشند.

ایراد عمده‌ای که بر یکی گرفتن خلاقیت و تغییر وارد می‌باشد این است که هر خلاقیتی باعث تغییر شده اما هر تغییری خلاقیت نیست.

برای مثال مشاور سازمان‌های معروف و صاحب‌نظر خلاقیت می‌گوید: کلمه خلاقیت معنی و مفهومی بسیار گسترده و گیج‌کننده دارد. از نظر فورد و گیویا<sup>۱</sup> (۱۹۹۵) خلاقیت یکی از پیچیده‌ترین و اسرارآمیزترین موضوعات مرتبط با عملکرد انسان‌ها می‌باشد؛ خصوصاً در مدیریت سازمان‌های مدرن، خلاقیت از پیچیدگی بیشتری برخوردار است. لندبرگ<sup>۲</sup> معتقد است که ادبیات و پیشینه خلاقیت بسیار گسترده و مغشوش است. حوزه‌های علمی مختلفی نظیر فلسفه، هنر، ادبیات، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، مدیریت و مشاوره در این زمینه دخیل بوده‌اند. باید سعی نمود تا با جمع‌بندی مناسب این ادبیات مغشوش و پیچیده، بینش مناسبی از خلاقیت به دست آورد (فورد و گیویا، ۱۹۹۵).

لذا، پرداختن به تعاریف مختلف خلاقیت، مدخلی برای رسیدن به جنبه‌ها و ابعاد خلاقیت به منظور کالبدشکافی هر چه بیشتر مفهوم پیچیده خلاقیت بر محور این جنبه‌ها می‌باشد.

1 Ford and Gioia

2 Lundberg



از نظر گزین<sup>۱</sup> (۱۹۵۲)، خلاقیت همان فرآیند تغییر و تکامل است که در حیات ذهنی ما رخ می دهد. در این تعریف بر خلاقیت به عنوان فرآیند، تأکید شده و خلاقیت مترادف با تغییر و تکامل می باشد.

به عنوان مثال، اگر سازمانی محصولی جدید تولید و وارد بازار هدف نماید، این خود حاصل خلاقیت می باشد که منجر به تغییرات و تحولات درون سازمانی و بیرون سازمانی میشود. اما چنانچه سازمان با تقلید از سازمان های دیگر اقدام به تولید و کپی برداری نماید، هر چند این محصول باعث تغییر و تحولاتی میشود، ولی محصول خلاق و حاصل خلاقیت نمی باشد. به نظر فرانکل<sup>۲</sup> (۱۹۵۵) خلاقیت میتواند اثری ملموس، اندیشه ای ناملموس و یا خدمتی باشد که یک فرد به دیگران داده و باعث معنا بخشیدن به زندگی میشود (شولتز<sup>۳</sup>، ۱۹۷۷). این تعریف بر خروجی و پیامد خلاقیت تأکید دارد.

به عقیده " فروم"<sup>۴</sup> (۱۹۵۵)، خلاقیت آن چیزی است که باعث میشود انسان از ماهیت منفعل و تصادفی وجود فراتر رفته و بر این اساس به احساس آزادی و هدف داشتن دست یابد (شولتز، ۱۹۷۷).

از دیدگاه " فروم" از دو راه میتوان از زندگی منفعل فراتر رفت:

---

1 Ghiselin

2 Frankel

3 Schultz

4 Fromm - Erich

همه افراد بطور بالقوه، خلاق اند. "فروم"

- ۱- **خلاقیت:** استعداد بالقوه بشری است و مطلوب‌ترین و سالم‌ترین شیوه فراتر رفتن از زندگی منفعل حیوانی جهت رسیدن به استقلال و آزادی است و نهایتاً باعث سلامت روان خوشبختی میشود.
- ۲- **میل به ویرانی:** میل به ویرانی در طبیعت انسان ریشه داشته و مخرب‌ترین شیوه فراتر رفتن از زندگی منفعل است. این میل باعث درد و رنج ویرانگر و ویران شده میشود. بر این اساس می‌توان چنین استنباط کرد که نوع بشر به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:
- ۱- افراد منفعل: افرادی که طبیعت و دیگران سرنوشت آنها را رقم می‌زنند.
- ۲- افراد فعال: افرادی که در تعامل فعال با طبیعت می‌باشند. همانطوری که گفته شد این افراد خود به دو دسته خلاق و ویرانگر تقسیم می‌شوند.
- از این دیدگاه می‌توان گفت، سازمان‌ها با سه دسته افراد منفعل (تکرار مکررات در فرآیند انجام کارها)، افراد ویرانگر (افرادی مستقل، هدف‌دار، ولی مخرب) و افراد خلاق (افرادی هدفمند، مستقل، سازنده و سالم) مواجه می‌باشند. از اینرو جهت زمینه‌سازی برای خلاقیت بایستی به این نکته ریز توجه شود که خروجی افراد ویرانگر (ایده‌ها، محصولات، کارها و فعالیت‌ها) از ملاک تازه و بدیع بودن برخوردار می‌باشد، اما با توجه به فلسفه و ارزش‌های سازمان، ارزشمند نیست. همانطوری‌که ملاحظه میشود از

نظر "فروم" همه افراد بطور بالقوه، خلاق اند و منبع و خاستگاه خلاقیت، میل به آزادی و داشتن هدف می باشد. اما بعضی به علل مختلف در به فعلیت رساندن آن اقدام نمی کنند.

گیلفورد<sup>۱</sup> (۱۹۵۹)، خلاقیت را تفکر واگرا<sup>۲</sup> جهت دست یافتن به راه حل های جدید برای حل مسائل میدانند. در تعریف گیلفورد از خلاقیت، بر منبع و خاستگاه خلاقیت (وجود یک مسئله)، نوع خروجی خلاق (راه حل)، ویژگی های خروجی خلاق (تازگی)، نوعی تفکر (تفکر واگرا) و حل مسئله تأکید شده است.



Abraham Maslow

مازلو<sup>۳</sup> (۱۹۶۲)، در مورد خلاقیت بیان میکند؛ از یک بازرگان آموختم که یک سازمان میتواند فعالیت های خلاق داشته باشد، از یک ورزشکار آموختم که یک حمله مؤثر میتواند مانند تولید یک محصول یا سرودن یک شعر باشد و همه این فعالیت ها بیانگر خلاقیت می باشد.

---

1 Guilford  
2 Divergent Thinking  
3 Maslow

خلاقیت، یکی از مهمترین ویژگیهای انسانهای خود شکوفاست.  
(مزلو)

از نظر "مزلو" خلاقیت یکی از مهم ترین ویژگی های افراد خودشکوفا است؛

این افراد اصیل، مبتکر و نوآورند. هر چند خلاقیت آنها همواره چون خلق هنری نیست و همه آنها نویسنده، هنرمند و سراینده نیستند. همچنین او خلاقیت را به نگرش بی تعصب و مستقیم به کارها و فعالیت ها تشبیه کرده و می گوید خلاقیت بیشتر یک گرایش، بیان سلامت روان و مربوط به شیوه ادراک و طرز واکنش نسبت به جهان است تا آفریده هنری. بنابراین، هر کس در هر شغلی که باشد میتواند از خود خلاقیت نشان دهد. میتوان گفت هر فردی، در هر کاری میتواند خلاقیت از خود نشان دهد.

از دیدگاه "مزلو" همه انسان ها بطور بالقوه خلاق اند، خلاقیت مختص زمینه خاصی نمی باشد و خروجی خلاق دربردارنده تنوعی از چیزهای مختلف (نظیر تولید یک محصول، شعر و انجام یک عمل) می باشد. مازلو همچنین به انواع و سطوح خلاقیت نیز توجه داشته است. به این معنی که به تعداد حوزه های مختلف (نظیر بازرگانی، ورزشی، آموزشی، هنری و...) با انواع خلاقیت مواجه بوده و همچنین از نظر میزان خلاقیت و اهمیت آن، مواجه با سطوح مختلف خلاقیت می باشیم.

کوستلر<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) در تعریف خود، بر خلاقیت از نیستی به هستی در قالب ذهنیات و عینیات تأکید دارد. به این عبارت که خلاقیت را، ایجاد آنچه قبلاً وجود نداشته است، چه به صورت ذهنی و چه به صورت عینی، تعریف میکند.

کایزر<sup>۲</sup> (۱۹۶۸) با تأکید بر خروجی خلاق، خلاقیت را بکارگیری توانایی‌های ذهنی برای تولید یک ایده یا مفهوم میدانند. تأکید این تعریف بر ذهنی بودن فرآیند خلاقیت و خروجی خلاق می‌باشد.

استین<sup>۳</sup> (۱۹۷۴)، با تأکید بر فرآیند خلاقیت و خروجی خلاق، خلاقیت را فرآیند انجام کار جدیدی که در زمان خود به‌عنوان چیزی قابل دفاع مورد قبول گروهی از افراد قرار بگیرد، تعریف میکند.

آریتی<sup>۴</sup> (۱۹۷۶)، با تأکید بر این نکته که خاستگاه خلاقیت ذهن ناخودآگاه است، خلاقیت را ستر<sup>۵</sup> سحرآمیز نیروهای ابتدایی یا غیرمنطقی مغز می‌داند.

آتریک<sup>۶</sup> (۱۹۷۷) اندیشمند مدیریت و سازمان، فرآیند تولید ایده، توسعه ایده و عملیاتی کردن ایده‌ها را خلاقیت می‌داند.

---

1 Koestler

2 Kaiser

3 Stein

4 Arieti

۵ ترکیب (آمیختگی) = Synthesis

6 Atrik

کودکان امروز لازمست بزرگسالانی خلاق و مبتکر باشند، زیرا جهان به سرعت در حال تغییر و دگرگونی است و آنان نیاز دارند برای رویارویی با مشکلات و چیره شدن بر آنها خلاقانه فکر و عمل کردن را بیاموزند.

آتریک نه تنها به خلاقیت به عنوان نوعی فرآیند توجه داشته، بلکه به خروجی خلاق تحت عنوان عملیاتی کردن ایده‌ها نیز عنایت داشته است. بازرمن<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) در تعریفش از خلاقیت به‌عنوان فرایندی ذهنی و انواع خروجی خلاق، توجه داشته است. بدین صورت که خلاقیت فرآیندی ذهنی است که منجر به تولید یک ایده، مفهوم، کالا یا اکتشافی تازه [نو] میشود.



Teresa Amabile

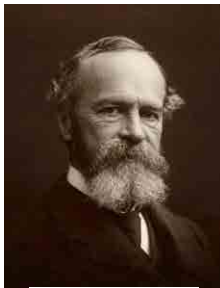
آماییل<sup>۲</sup> (۱۹۷۶) صاحب‌نظر خلاقیت و استاد دانشگاه «هاروارد»، در تعریف خلاقیت بر مواردی چون سطوح خلاقیت و محیط تأکید دارد. بدین معنی که خلاقیت عبارت است از **تولید ایده‌های تازه** و ارزشمند توسط یک فرد یا گروه کوچکی از افراد که با هم کار

می‌کنند. آماییل (۱۹۹۸) در تعریف دیگری خلاقیت را متشکل از سه عنصر «مهارت‌های مربوط به حوزه فعالیت»، «مهارت‌های تفکر خلاق» و «انگیزش درونی» می‌داند. این پژوهشگر هر سه جزء خلاقیت خصوصاً انگیزش درونی را به‌شدت متأثر از محیط کار می‌داند.

1 Bazerman

2 Amabile

کونتز و اودانل<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، در تعریفشان به سه خروجی عمده خلاقیت عنایت داشته‌اند. به این صورت که خلاقیت عبارت از عرضه یک محصول جدید یا خدمت تازه و یا ابداع یک روش نو می‌باشد.



William James

از نظر کائو<sup>۲</sup> (۱۹۸۹) خلاقیت، فرآیندی انسانی است که منجر به یک نتیجه تازه و ارزشمند میشود (مک‌کان<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹). از نکات قابل بحث در این تعریف، اینست که خلاقیت محدود به انسان شده است. به این معنی که از میان تمامی موجودات، تنها انسان دارای قوه خلاقیت می‌باشد. در حالیکه همه مولکول‌ها،

سلول‌ها، گیاهان، و حیوانات خلاق می‌باشند. بدین صورت که اشکال جدیدی ابداع می‌کنند، به اشکال جدیدی تغییر رفتار میدهند و به طرق غیر قابل پیش‌بینی و بی سابقه ترکیب می‌شوند.

برای مثال، "کارل پوپر" از خلاق بودن کل هستی تحت عنوان بزرگ‌ترین معمای هستی یاد میکند و میگوید: «به احتمال زیاد بزرگ‌ترین معمای عالم هستی آن است که تمامی کائنات بنحوی از انحاء خلاق هستند» (لند و جارمن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸).

---

1 Koontz and O' Donnell

2 Kao

3 McCann

4 Land and Jarman

### امنیت روانی و آزادی عمل احتمال ظهور خلاقیت را افزایش میدهد

همچنین به اعتقاد "ویلیام جیمز"، بدعت و نوآوری در ماهیت اشیاء به گونه‌ای ذاتی نهفته است (فرهنگی، ۱۳۷۷). بر این اساس میتوان نتیجه‌گیری کرد که همه هستی خلاق بوده و در طبیعت با انواع و سطوح مختلفی از خلاقیت مواجه می‌باشیم.



1 Robert Sternberg

تعریف رابرت استرنبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) استاد روان‌شناسی و مدیریت دانشگاه «ییل» از خلاقیت، روشنگر مواردی چون ویژگی‌های افراد خلاق و پیامدهای خلاقیت می‌باشد. به این معنی که خلاقیت ترکیبی از قدرت ابتکار، انعطاف‌پذیری و حساسیت در مقابل عقایدی

است که فرد را قادر می‌نماید خارج از تفکر معمول به نتایج بدیع [نو] و مفید بیندیشد، که پیامد آن رضایت شخصی و خشنودی دیگران خواهد بود.

چارلز هندی<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) اندیشمند مدیریت، با تأکید بر خلاقیت به‌عنوان نوعی تفکر به شیوه بدیع، خلاقیت را روش‌های تازه اندیشیدن

1 Robert Sternberg

2 Charles Handy



**درباره چیزهای آشنا که موجب آزاد شدن نیروهای تازه‌ای شده و انواع مختلف چیزها را امکان‌پذیر میکند، می‌داند.**

سیکزتمی‌هالی<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) استاد دانشگاه «شیکاگو» و پژوهشگر سیستمی خلاقیت بر اهمیت محیط در شکل‌گیری و پذیرش خلاقیت تأکید داشته و معتقد است که خلاقیت شامل هر عمل، ایده یا محصول نو و جدیدی است که باعث تغییر یا دگرگونی یک حوزه معین به یک حوزه جدید شود؛ بنحوی که ایده، محصول و یا عمل، مورد قبول آن حوزه قرار گیرد. سیکزتمی‌هالی در قالب دیدگاه سیستمی خود از خلاقیت، بر این نظر است که خلاقیت متأثر از «فرد»، «حوزه علمی مربوطه» و «زمینه فعالیت مربوطه» می‌باشد.

"فرد لوتانز"<sup>۲</sup> (۱۹۹۵) استاد رفتار سازمانی، خلاقیت را ایجاد ترکیبی از راه‌حل‌ها توسط افراد یا گروه‌ها در یک روش جدید [نو] می‌داند. این تعریف علاوه بر اینکه مشخص‌کننده خروجی خلاق و خلاقیت به‌عنوان نوعی حل مسئله بوده، خلاقیت را در سطح فردی و گروهی نیز مطرح میکند.

وودمن، ساویر و گریفین<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) با تأکید بر انواع خروجی خلاق و ویژگی‌های خروجی خلاق، خلاقیت را خلق یک فرآیند، رویه، ایده، خدمت و یا محصول جدید و ارزشمند بوسیله افراد مشغول به کار در یک سازمان اجتماعی پیچیده می‌دانند.

---

1 Mihaly Csikszentmihalyi

2 Luthanz

3 Woodman & Sawyer & Griffen

خلاقیت، عبارتست از عرضهٔ یک محصول جدید (نو) یا خدمت تازه و یا ابداع یک روش نو

بارتل و مارتین<sup>۱</sup> (۱۹۹۴)، خلاقیت را فرآیندی ذهنی با هدف تولید یک ایده، مفهوم، محصول یا کشفی تازه می‌دانند. این تعریف بر ذهنی بودن خلاقیت و خروجی خلاق تأکید دارد.

لوسیر<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) در تعریفش، بر خلاقیت به‌عنوان نوعی تفکر و خروجی خلاق تأکید میکند. بدین صورت که **خلاقیت شیوه‌ای از تفکر است که باعث تولید ایده‌های جدید میشود** (صادقی مال امیری، ۱۳۸۶).

### جمع‌بندی

در این فصل به ضرورت شناخت خلاقیت، مشتقات خلاقیت و تعاریف خلاقیت از منظر صاحب‌نظران مختلف پرداخته شد. لازم به ذکر است که برای آشنایی بیشتر و ورود به فصل‌های آتی کتاب، مطالعه فصل یک از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین لازم است اشاره شود "ابداع" با خلاقیت تفاوت دارد، خلاقیت اغلب به توانایی و قدرت ایجاد فکر (ایده)های جدید و نو گفته میشود، اما ابداع یا نوآوری به معنای بکارگیری ایده‌های نو ناشی از خلاقیت است.<sup>۳</sup>

1 Martin and Bartel

2 Lussier

۳ برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

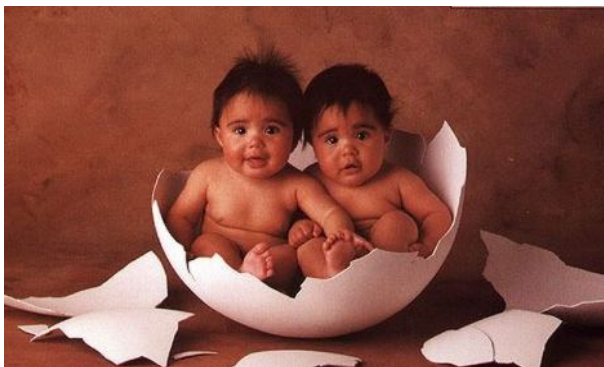
- محمد میرکمالی و عباس خورشیدی (۱۳۸۷). **خلاقیت**. تهران: یسپرون.

## فصل ۲

### خلاقیت در مرحله کودکی

"ما برای بقا نیازمندیم که به پرورش توانایی‌های خلاق کودکان و نوجوانانمان بپردازیم. آیا برای مقابله با استرس و فشارهای زندگی امروز اسلحه‌ی بهتر از خلاقیت می‌شناسید؟"

تورنس



سیب سرخ آرزوها را، از درخت علم می‌چینم

هر چه را با چشم نتوان دید، با نگاه علم می‌بینم

محمود کیانوش

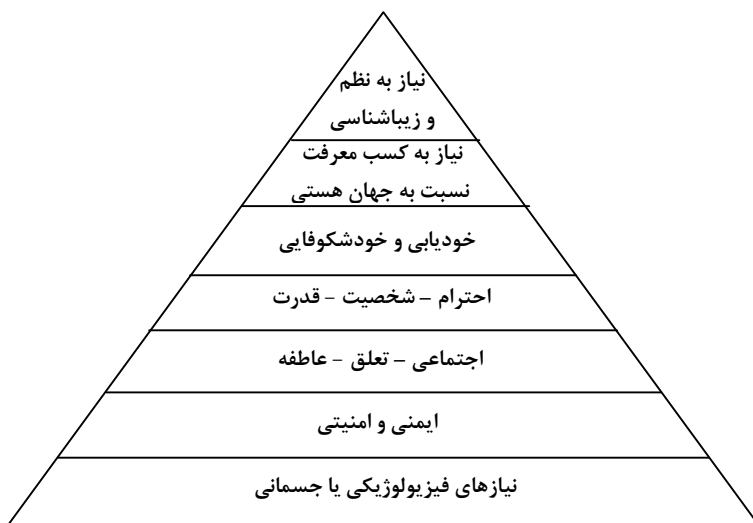
## مقدمه

پرورش **خلاقیت** را باید از دوران بارداری مادر شروع کرد. تمام حرکات، سکانات، واژه‌ها، کلمات و ... را، جنین ثبت و ضبط می‌کند. بسیاری معتقدند دوران پیش از تولد، هم می‌تواند در رفتار و شخصیت کودک مؤثر باشد. از لحظه‌ای که کودک به دنیا می‌آید، برخورد خلاق والدین بسیار با اهمیت است. وقتی که مادر برای کودکش لالایی می‌خواند، قصه می‌گوید، پدر و مادر با کودک بازی می‌کنند، اسامی اشیا را به او یاد می‌دهند و ... در واقع پرورش خلاقیت شروع شده است. کودک خلاقیت را از زندگانی می‌گیرد و به زندگانی باز می‌گرداند. تا هنگامی که پدر و مادر؛ آفتابی و خلاق نباشند، نمی‌توانند از زیستن در روشنایی، خلاقیت و اندیشه ورزی حرفی برای گفتن به کودک داشته باشند. اگر آموزش خلاقیت و استفاده از ابزار مختلف را وارد زندگی کنیم، می‌توانیم کودکانی خلاق تربیت کنیم.

## نقش بزرگسالان در خلاقیت کودکان

### بزرگسالان احساس تعلق را به وجود می آورند

ضرب‌المثل‌های فارسی است که می‌گوید: "نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود". مضمون این پند حکایت از این واقعیت می‌کند که پایان خوش هر کاری جز با سعی و تلاش فراهم نمی‌شود؛ برای هر کار مفیدی باید زحمت کشید و بردبار و صبور بود و از تلاش باز نایستاد. با این نگاه، سعی و کوشش را باید جوهر هر فعالیت خلاقانه دانست. برای آن که خلاق بود یا به خلاقیت رسید، تلاش کردن امری اجتناب‌ناپذیر است، چه بهتر که اصل "سعی و کوشش" از دوران کودکی آموزش داده شود و پرورش پیدا کند. طبیعی است اگر فرد تا پایان دوران نوجوانی تلاشگر و سعی‌تربیت شود، مواجهه با دشواریهای سایر دوران سؤال برانگیز نخواهد بود (پیرخانگی، ۱۳۷۹).



سلسله مراتب نیازهای مزلو

بزرگسالان باید بدانند که کودکانی که اعتماد به نفس دارند، میتوانند خلاقیت را در خود پرورش و توسعه دهند.

انسان‌ها، دارای نیازی برای بیان خود و خلاق بودن هستند. «آبراهام مزلو» در طبقه‌بندی، «سلسله مراتب نیازها»، اظهارنظر میکند که نیاز برای بیان ویژگی‌های فردی در وجود فرد راضی و خشنود قرار دارد؛ از این که «ابراز- خود<sup>۱</sup>» (خود-بیانی) و «خود شکوفایی<sup>۲</sup>»، همان‌طور که مزلو آن را نامید، بتواند اتفاق بیفتد، شرایط و اوضاع و احوال می‌بایست مناسب و مطلوب باشد (مزلو، ۱۹۴۳، نقل از سیف، ۱۳۸۶). نیازمندی‌های اساسی ضروری‌تری مانند، ضرورت سالم بودن، تغذیه شدن و دوست داشتن، وجود دارد. بیشتر کودکان در محیط آموزشی ما سالم هستند و تغذیه می‌شوند؛ اما کودکان هم‌چنین، لازم است بدانند که آنها را دوست دارند برای آنها ارزش قائل هستند و قبل از اینکه خود را در معرض کار جدیدی قرار دهند، احساس کنند بخشی از اجتماعی هستند که محیط آموزشی آنهاست. آنها لازم است بدانند که اگر دستاورد آنها موفقیت‌آمیز نباشد، نظر محیط آموزشی در مورد آنها عوض نخواهد شد و اینکه آنها تشویق خواهند شد که دوباره سعی کنند. در مدارس باید شکست‌های دانش‌آموز مقدمه‌ای برای پیروزی و موفقیت آنها باشد، نه سرزنش، تحقیر، تهدید، تنبیه آنها، باعث ترس از ادامه تلاش شود.

- 
- 1 Hierarchy of Needs
  - 2 Self Expression
  - 3 Self-Actualization

## بزرگسالانی که ابزار را انتخاب می کنند

تمسخر، تهدید، ترس، تنبیه، سرزنش قوه خلاقیت و نوآوری بچه‌ها را می‌کشد. ترغیب، تشویق به تلاش و رفتن راههای نو باعث بروز خلاقیت میشود؛ ابزار مؤثر برای تشویق خلاقیت مهم و اساسی است. کارشناسان لازم است ابزار را با دقت انتخاب کنند به طوری که کودکان بتوانند در گستره متفاوتی از روش‌ها از آنها استفاده کنند، برای مثال، قطعه چوبی که هم میتواند به عنوان یک تلفن و هم یک ماشین حساب به بازی تخیلی پربارتری منجر شود، نسبت به اسباب‌بازی‌هایی که فقط یک عملکرد دارند ترجیح داده میشود. ابزار لازم است با دقت نگهداری و به طور منظم تمیز شوند، به طوری که همیشه برای استفاده جذاب به نظر برسند. این امر بدیهی است ابزارهایی که با دقت مراقبت می‌شوند در سطح عملکردی بالاتری در بازی مورد استفاده قرار خواهند گرفت تا ابزاری که از نظر بزرگسالان دارای ارزش کمی هستند، این امر برای کودکان کاملاً روشن است. این مسئله بخصوص زمانی که مقدار فضایی در نظر گرفته میشود تا به زمینه‌هایی مانند، بازی ایفای نقش با زور در یک گوشه تاریک جا داده شود و ابزار کافی نیز وجود نداشته باشد، خیلی زود بحث و مجادله بین کودکانی که سعی میکنند مقداری سوسیس سرخ کنند، در همان فضایی که کودک دیگری سعی در حمام کردن بچه را دارد، درخواست گرفت! ابزار کم و نامرغوب، رسم و رسوم بدی را به بازی می‌دهد و میتواند والدینی را نگران کند که مشاهده می‌کنند در این شرایط درهم و برهم، نه یادگیری زیاد، نه خلاقیت و نه از سایر جهات، اتفاقی رخ نمی‌دهد. سپس آنها ممکن است فشار بیشتری را بر شیوه‌های رسمی تدریس و یادگیری وارد آورند که بیشتر تحت کنترل کارشناسان ظاهر میشود.

در خانه و مدرسه، تلاش و کوشش بچه‌ها برای خلاق شدن باید حمایت شود.

### کمک بزرگسالان به کودکان برای آشنا شدن با مواد و ابزار

کودکان به گستره وسیعی از مواد نیاز دارند تا قبل از اینکه بتوانند مبتکر و خلاق شوند با آنها آشنا شوند. آنها همچنین، به زمان زیاد و کمک بیشتری نیاز دارند؛ به طوری که بتوانند یاد بگیرند چگونه از ابزار و مواد به صورت سالم و مؤثری استفاده نمایند. این مثالی است برای زمانی که «تدریس» دقیقاً این معنی را داشته باشد. کودکان به تدریس واضح و روشن نیاز دارند، راجع به اینکه چگونه از ماشین دوخت و قیچی استفاده کنند، چگونه انواع مختلفی از وسایل موسیقی را بنوازند و چگونه پیش‌بندهای نقاشی خود را ببندند. زمانی که این دانش و اطلاعات به‌جا و مناسب باشد و کودکان موقعیت و امکانات بسیاری برای تمرین این مهارت‌ها داشته باشند، پس آنها آزاد هستند تا کنترل آنها را به‌دست بگیرند و به دلخواه خود از آنها استفاده نمایند. به این ترتیب، کارشناس کودکان را قادر می‌سازد تا خلاق شوند.

### بزرگسالان بیانی روشن و رسا داشته باشند

در خانه و محیط آموزشی و هم‌فرا سوی آن، لازم است از خلاقیت با اطمینان و با قاطعیت پشتیبانی شود. بیش از هر زمینه دیگر «برنامه درسی<sup>۱</sup>»، و